



منوچهر ستوده

وخیگی خون

عنوان مقال از دو واژه تشکیل شده است: وخیگی + خون. واژه «وخیگی» شامل دو جزء است: وخیگ + ی. جزء اول آن: «وخیگ» یعنی وخی و وخانی و وخان ناحیه ای است از تاجیکستان امروز شامل دهکده های کنار شاخه های راست آمودریا در پامیر شرقی و قسمتی از جنوب غربی ناحیه سین کیانگ چین که تاجیک نشین است و اگر سرحدات سیاسی امروزی روسیه و چین را از میان برداریم، وخان تاجیک نشین چین با وخان تاجیک نشین روسیه متصل می گردد. در قسمتی از وخان که در خاک چین افتاده است تا امروز دهکده ای به نام «وخیج ده» داریم که شکل تازه تری از «وخیگ ده» است و نزدیک دهکده «گچا» (به ضم کاف) است که در شصت کیلومتری تاش قورغان امروزی است که سابقاً «ورشیده» خوانده می شد و مرکز وخان خاک چین است. برگردیم به عنوان مقال، یایی که در آخر واژه «وخیگی» است اشباع کسره اضافه مقلوب است و روی هم رفته «وخیگی خون» یعنی خانه وخانی یا خانه هایی که اهالی وخان در آن ساکنند.

اهالی وخان روسیه و چین به زبان فارسی سخن می گویند و زبانی محلی نیز دارند که آن را «وخی» می خوانند. دستور زبان وخی بسیار پیچیده و مشکل است.

ناحیه تاجیک نشین وخان روسیه شامل دهکده های «چادود»، «کودره»، «شازود»، «راشت قلعه»، «مرغاب» و دهکده های دیگر است. این دهکده ها کنار شاخه های دست راست آمودریا قرار دارند. یکی از این شاخه ها رود «برتنگ» (به فتح باء و تاء) است که از شاخه های پر آب آمودریاست و در «روشان» به عمود آمودریا می پیوندد. خود روشن

نزدیک مدار ۲۸ درجه شمالی ست. شاخه دیگر، رودخانه «غند» است که در شهرک «خرگ» (به ضم خاء و راء) به عمودِ آمودریا می رسد. بیشتر آب آمودریا از شاخه های دست راست آن است و آب کمتر در عمودِ اصلی رودخانه است که از وخان چین و سامان تبت سرچشمه می گیرد.

**

در ورودی خانه های وخان رو به مشرق است تا نخستین اشعه خورشید به داخل آنها بتابد و این خود سستی ست که از دوران مهرپرستی به جای مانده است. خانه ها به شکل مکعب مستطیل است و چهار دیوار آنها «پخسه ای» (به فتح پ) یعنی مِهْره ای و چینه ای، و از گل ورز داده است و قطر آنها از نیم متر تجاوز نمی کند. پس از این که چهار دیوار را بالا آوردند نوبت به «خاده زدن» یعنی تیرریزی سقف می رسد. تیرهای سقف «بالار» خوانده می شود و خانه ها معمولاً پنج بالار و هفت بالارونه بالارو یازده بالار است (کلمه بالار با کلمه «پلور» (به فتح پ و واو) فارسی نزدیک است).

وسه (به فتح واو و تشدید سین) بالار تراشیده یا تراشیده است که روی ستونهای چوبین بنا قرار می گیرد. بالای آنها نی می ریزند و بالای نی را «غوره گل» (به کسر گاف). غوره گل را ما «شفته» می گوئیم و روی آنها اندود کاهگل است. بدین ترتیب سقف خانه ها پوشیده می شود. چنین خانه ای را «بالا پوشیده» می خوانند.

تعداد ستونهای چوبین بنا، بسته به عرض و طول خانه است و در هر خانه از طرف در ورودی پنج ستون اصلی تعبیه شده است که تقریباً تمام فشار سقف بر این پنج ستون است و اگر این پنج ستون را بکشند بام خانه فرو می ریزد. دوستونی که از طرف داخل، دو طرف راهروی ورودی ست به نامهای حسن و حسین و دو ستون بعدی محمد و علی و یک ستون آخر بی بی فاطمه نامیده می شوند. بدین سبب تاجیکان و خان که اسماعیلی مذهبند از یک طرف هفت امامی و از یک طرف پنج تنی خوانده می شوند.

در محفلی که مردان برای ذکر و عبادت و رسیدن به عالم خلسه دور هم جمع می شوند، با طنبورها بی که از چوب توت خودشان می سازند، نغمه های پرشوری می نوازند و ابیاتی می خوانند که نامهای «پنج تن» ترجیع و برگردان آنهاست.

اکنون که سقف «وخیگی خون» پوشیده شد و اندود کاهگلی آن به اتمام رسید به تزیینات سقف می پردازند. سقف را با سه یا چهار خط عمود بر یکدیگر به چند مربع تقسیم می کنند. داخل این مربعها را با تخته کوبی، گود می سازند و با رنگهای زنده و

روشن رنگ آمیزی می کنند و سایر قسمتهای هم سطح را تخته کوبی می نمایند و روی آنها را با نقش و نگار و گل و بوته می آرایند. نجاران این عمل خود را «قبضه و فرومان» می خوانند. بر تخته های سقف، نجاران و بنایان یادگارهایی می نویسند و با نوشتن دوسه بیت شعر فارسی تاریخ اتمام بنا را ذکر می کنند و نام خود را در آخر این عبارات می آورند. کسان دیگر که در اتمام بنا کمک کرده اند نیز حاضر می شوند و بر تخته ای یادگاری می نویسند. بر این تخته ها سوانح و اتفاقات گذشته از سیل و زلزله و آتش سوزی نیز ذکر می شود. با جمع آوری این مطالب می توان به سوانح ارضی و سماوی منطقه دسترسی پیدا کرد. نظیر این تخته نویسی را در کوهستان مازندران و حواشی کویر ایران نیز می توان دید. پس از آرایش سقف به نصب «تیریزه» (= پنجره) و ساختن «رخ» (به ضم راء) (= گیلوئی دور سقف) و «خیشت فرش» (= آجر فرش) بنا می پردازند. در بعضی بناها «سویچک» (به فتح چ) (رفهای قفسه مانند کوچک بالای طاقچه) نیز می سازند که وسایل با ارزش خانه را که کمتر مورد استفاده است در آنها قرار می دهند. در خانه های «چوبکاری» (طاقهای چوبین داخل خانه) چوبهای چهاررخ (چهارتراش) سرنال (= نعل درگاه) را «زبررو» (به فتح زاء و باء) می خوانند و چوبهای چهاررخ بن نال (= چوبهای چهارتراش زیر ستونها یا قلمه ها) را «سینج» می نامند. «قلمه» چوبهای چهارتراش عمودی ست که میان سرنال و بن نال در دیوار قرار می گیرد. این استخوان بندی چوبین در داخل بنا و داخل دیوارهای طاقها به کار می رود. گاهی قسمتی از سینج یا زبررو از دیوار بیرون می ماند.

کنجور - کنجینه	اگت	اگت	اگت
	دلرونک مر		
اگت اگت	چلک مر	اگت اگت	
سرکبه - دکان کلان		دکان سبه - پردرر	
	بورج		
(رخکی خون) در دهکده نندگوت		دکان بابان - بست رز	

کف خانه های وخی یعنی برکنج (به فتح باء و کاف) که راهرو در ورودی ست از کف کوچه کمی بالاتر است. فضای «یورج» همکف برکنج است و سطح «چلک سر» که محل اجاق و تنور خانواده است در حدود ده سانتیمتر از کف «یورج» بالاتر است. سایر قسمتهای بنا یعنی «دکان پایان» = «پست رز» (به فتح پ و راء) و دکان کلان = سرتکیه و گنجور = گنجینه و «دولدونگ سر» و دکان میده = پودرز (به فتح راء) در حدود پنجاه تا شصت سانتیمتر از کف «یورج» بالاتر ساخته شده تا رطوبت زیر به محلهای نشیمن و خوابگاه اثر نکند.

سه اشکف (= اشکاف = شکاف) در سه طرف «دولدونگ سر» است. اشکاف بزرگتر وسط دیوار شمالی ست و دو اشکاف دیگر در دو طرف دیوار جنوبی دولدونگ سر قرار دارد.

چون دیوارها و بام خانه ها از گل ساخته شده است، داخل خانه ها در زمستانها گرم و در تابستانها خنک است. روزنی در وسط یکی از مربعهای وسط سقف بناست که بازو بسته می شود. دود تنود یا اجاق از این روزن خارج می گردد.

استاد یشین دانشگاه تهران

کلوره اول اسفند ۱۳۷۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی